

## ریشه‌های گناه و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن و روایات

\*  
محسن قرائتی

### چکیده

شناخت صحیح گناه مبتنی بر شناخت زمینه‌ها و ریشه‌های آن است. قرآن و روایات، ریشه گناهان را عرصه‌های مختلف خانوادگی، فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و سیاسی معرفی می‌نماید. پس از شناخت گناه و زمینه‌های شکل‌گیری آن، باید با تفکر و توجه به حضور خدا در همه جا، خودشناسی و توجه به شخصیت انسانی، ایمان به معاد، یاد مرگ، خداترسی و هراس از پیامدهای گناه و نیز با توجه به عبادات، به مبارزه با گناهان برخاست و زمینه‌های اطاعت از خدا و جلب رضایت او را فراهم نمود.

### واژگان کلیدی

گناه، ریشه‌های گناه، راهکارهای مقابله.

**مقدمه**

کمبود ویتامین بدن را آماده پذیرش میکروب می‌کند یا بیماری را پرورش و گسترش می‌دهد، پس باید کمبودها را جبران کرد تا زمینه پذیرش یا پرورش بیماری از بین برود. از موضوعات بسیار مهم در «گناهشناسی»، شناخت «زمینه‌ها و ریشه‌های گناه» است. کسی که می‌خواهد گناه نکند، باید ریشه‌های گناه را بشناسد، وقتی آنها را شناخت، می‌تواند به پیشگیری و درمان پردازد.

**الف) ریشه‌های گناه****۱. ریشه‌های فرهنگی و تربیتی****۱ - ۱. جهل**

جهل و نادانی زمینه گناه را به وجود می‌آورد و انسان را به سوی گناه می‌کشاند. جهل به خدا، جهل به هدف از آفرینش، جهل به قوانین خلقت، و جهل به زشتی گناه و آثار آن از جمله ابعاد نادانی‌اند.

در دوران جاهلیت گناهان گوناگون، سراسر زندگی مردم را گرفته بود و علت بیشتر آنها جهل و حماقت بود. برای توضیح به این آیات توجه کنید:

قَالُوا يَا مُوسَى اجْعِلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ أَلَهٌ فَأَلِّنْكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ . (اعراف / ۱۳۸)  
[بنی اسرائیل به موسی] گفتند: ای موسی برای ما معبودی (از بت) قرار بده، چنان‌که آنها (بت‌پرستان) معبودانی (از بت) دارند. [موسی] گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.

**حضرت لوط ﷺ به قومش فرمود:**

أَتَنَكُمْ لَكَاثُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بُلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ . (نمل / ۵۵)  
آیا شما به جای زنان، به سراغ مردان، از روی شهوت می‌روید؟ شما قومی جاهل هستید.

در سوره یوسف نیز می‌خوانیم:

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوْسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْثَمْ جَاهِلُونَ. (یوسف / ۸۹)

یوسف (به برادران خود) گفت: آیا دانستید که با یوسف و برادرش (بنیامین) چه کردید؟ آنگاه که جاهل بودید.

از این آیات به روشنی استفاده می‌شود که جهل و نادانی یکی از ریشه‌های گناهان است.  
در سخنان امام علیؑ نیز بارها جهل، زمینه گناه معرفی شده است، مانند:

لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيقٌ. (شیریفرضی، بی‌تا: ن ۵۳)  
گستاخی و جرأت بر (نافرمانی) خدا را جز جاهل و شقی روا نمی‌دارد.

الجهل معدن الشر، الجهل اصل كل الشر، الجهل يفسد المعاد. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶):  
(جهل)

جهل مرکز زشتی است، جهل ریشه و پایه زشتی است، جهل موجب تباہی معاد انسان است.

قصص ظهیری رجلاں: عالم مُتَهَّكِ وجاهِل مُتَنَسِّكِ ... . (مشکینی اردبیلی، بی‌تا: ۱۲۷)  
دو شخص، کمرم را شکستند، دانشمند بی‌پروا، و جاهل مقدس نما. [سپس فرمود:] جاهل، انسان را با زهدنایی اش می‌فریبد، و عالم با گستاخی و بی‌پروایی اش، انسان را فریب می‌دهد.

## ۱ - ۲. قوانین و سنت‌های غلط بشری

انسان هنگامی از آلودگی‌ها و گناهان مختلف نجات می‌یابد که در پرتو قانون کامل زندگی کند؛ قانونی که تمام ویژگی‌های انسان را مورد توجه دقیق قرار دهد و آنچه را که موجب تکامل و رستگاری و نجات او از انحرافات است، تأمین نماید و چنین قانونی، جز قانون الهی نخواهد بود، زیرا خداوند، آفریدگار انسان و آگاه به تمام خصوصیات روحی و جسمی او می‌باشد و می‌داند که چه قانونی او را رستگار می‌سازد. بر این اساس، قوانین غلط بشری یکی از عوامل و ریشه‌های فرهنگی گناه است، چراکه این‌گونه قوانین به جای نجات‌بخش بودن گمراه کننده‌اند.

امیرمؤمنان علی ﷺ می‌فرماید:

إِنَّمَا بَدْءُ وُقُوعِ الْفَتَنِ أَهْوَاءُ تُبَيَّبُ وَأَحْكَامٌ يُبَيَّنَدُغُ يُخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ. (شريف‌رضي،  
بی‌تا: خ ۵۰)

عامل پیدایش فتنه‌ها، پیروی از هوا و هوس و احکام و قوانین ساختگی (مانند برخی قوانین بشری) است، که با کتاب خدا مخالفت دارد.

بعضی از این قوانین غلط بشری عبارت‌اند از:

۱. آزادی بی‌قید زنان و کشف حجاب؛ ۲. لغو قوانین قصاص و حدود و دیات؛ ۳. ازدواج با همجنس (همجن‌بازی)؛ ۴. اختلاط مدارس دختر و پسر؛ ۵. شرایط سنگین قانون ازدواج؛ ۶. آزادی زنا با رضایت دو طرف؛ ۷. قانونی بودن مشروبات الکلی؛ ۸. قانونی بودن سقط جنین؛ ۹. قانونی بودن ربا؛ ۱۰. قانونی بودن قمار.

این امور و امثال آن، منشأ و زمینه‌ساز گناه‌اند و فرد و جامعه را به تباہی و انحراف می‌کشانند.

### ۱ - ۳. التقاط و تحریف

یکی از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز گناه، مسئله التقاط و تحریف قانون الهی است. التقاط و تحریف عبارت از آن است که قانون الهی را تغییر دهنده و معجونی از قانون الهی و بشری درست کنند و آن را به عنوان قانون خدا معرفی نمایند. امیرمؤمنان علی ﷺ در گفتاری می‌فرماید:

اگر باطل کاملاً از حق جدا می‌شد، بر جویندگان حقیقت پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل، جدا می‌شد، زبان دشمنان (از بدگویی به حق) قطع می‌گردید، ولی قسمتی از حق و بخشی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند. اینجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌شود. (همان)

در مورد «بدعت» که یک نوع تجاوز به حریم قانون می‌باشد، به چند روایت زیر توجه کنید:

۱. امیرمؤمنان علی ﷺ فرمود:

وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَاهِرٌ صَلَّ وَضُلَّ بِهِ فَأَمَّا سُئَّةُ مَأْخُوذَةٍ وَأَحْيَا بِدْعَةً مَثُرُوكَةً. (شريف‌رضي، بی‌تا: خ ۱۶۴)

بدترین مردم نزد خداوند رهبر ستمگری است که خود گمراه است و مردم به وسیله او گمراه می‌شوند. سنت‌های پذیرفته شده را از بین می‌برد و بدعت‌های متروک را زنده می‌کند.

## ۲. پیامبر ﷺ فرمود:

کل بدعة ضلالة وكل ضلالة سبيلها الى النار. (حر عاملی، ۱۴۰۹ / ۱۱ : ۵۱۱)  
هر بدعتی گمراهی است و راه هر گمراهی به سوی آتش دوزخ است.

فارس بن حاتم از دروغگویان، غلات مشهور و بدعت‌گذاران بود و مردم را به مذهب فاسد خود دعوت می‌کرد. امام هادی ع به ابا جنید دستور داد فارس را اعدام کند و امام حسن عسکری ع خون او را هدر دانست و بهشت را برای قاتل او ضمانت کرد و سرانجام ابا جنید آن بدعت‌گذار را کشت. (قمی، ۱۳۷۴ / ۱ : ۳۵۶)

### ۱ - ۴. گفتار و کتاب‌های خاله

یکی از ریشه‌های فرهنگی گناه، کتب گمراه‌کننده یا وسائل تبلیغاتی گمراه‌کننده می‌باشد، لذا در اسلام خواندن «كتب ضاله» یا گوش دادن به سخنان گمراه‌کننده حرام است، البته مطالعه این کتاب‌ها برای دانشمندان اشکال ندارد، چراکه با مطالعه و تحقیق، حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهند، ولی مطالعه و یا شنیدن آنها برای افرادی که دانش اندک دارند، مسموم‌کننده و خطرناک است. برای همین چنان‌که در تاریخ دیده می‌شود که دشمنان با انتشار کتاب‌های گمراه‌کننده، مردم را از راه حق باز می‌داشتند و به سوی باطل می‌کشانند. برای نمونه وقتی اسلام ظهور کرد، دانشمندان یهود موقعیت خود را در خطر دیدند، لذا اوصافی را که درباره پیامبر اسلام ﷺ در تورات آمده بود، تغییر دادند و صفاتی ضد آن را نوشتند تا عوام یهود جذب اسلام نشوند. قرآن در سرزنش آنان می‌فرماید:

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يُكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيُسْتَرُوا بِهِ ثَمَّئِنَ قَلِيلًا  
فَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا كَتَبَثُ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا يُكَسِّبُونَ. (بقره / ۷۸)

وای بر آنها که مطالبی با دست خود می‌نویسند، سپس آن را به خدا نسبت

می‌دهند تا آن را به بهای کمی بفروشنند. وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنها از آنچه از این راه به دست آورند.

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ أَصْغَى إِلَيْهِ الْنَّاطِقَ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسِ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ . (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۶)

کسی که به (گفتار) گوینده‌ای گوش فرا دهد، او را بندگی کرده است، بنابراین اگر گوینده از خدا و دستورهای او سخن می‌گوید، شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از شیطان سخن می‌گوید، شنونده شیطان را عبادت نموده است.

#### ۱ - ۵. تلقین

یکی از عوامل زمینه‌ساز در مسائل تربیتی و فرهنگی، تلقین و تقلید است که اگر شایسته و براساس صحیح باشد زمینه‌ساز کارهای نیک و گرنه زمینه‌ساز گناه می‌شود.

در قرآن بعضی از کلمات و عبارات به تعداد زیاد تکرار شده است و این تکرار علاوه بر فواید دیگر، یک نوع تلقین و زمینه توجه بشر به این عناوین می‌باشد. چنان‌که واژه «الله» در قرآن تکرار شده است یا جمله: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره / ۲۰ و ۱۰۹ و ۱۴۸ و ...) خداوند بر هرجیز تواناست» چهل و پنج بار، در سوره «الرحمن» که در مکه نازل شد و ۷۸ آیه دارد، جمله «قَلَّ مَنْ يَكُونُ أَذْكَرًا لِلَّهِ بِأَنَّهُ يَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ» که در مکه نازل شد و می‌کنید؟» ۳۱ بار، در سوره «مرسلات» آیه «وَيَلْيُولُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ؛ وَإِنْ در آن روز (قیامت) بر تکذیب‌کنندگان» ۱۰ بار و در سوره «قمر» آیه «وَلَقَدْ يَسَّرَنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مُذَكِّرِ؛ ما قرآن را برای یادآوری آسان کردیم آیا کسی هست که متذکر شود؟» ۴ بار تکرار شده است.

این تکرارها بیشتر جنبه تلقینی دارد و برای این است که گوش جان این امور را بارها بشنود و این مطالب در اعماق جان نقش بینند. درباره تأثیر تکرار رسول اکرم ﷺ فرمود:

به دروغگو راه دروغ را تلقین نکنید، چنان‌که فرزندان یعقوب نمی‌دانستند

گرگ انسان را می‌خورد تا اینکه پدرشان آن را به آنان تلقین نمود.<sup>۱</sup>

(۴۷۴ / ۲ : ۱۳۷۴)

#### ۱-۶. تقلید

«تقلید کورکرانه» یکی از زمینه‌سازهای گناه است. تقلید دارای اقسامی است: ۱. تقلید عالم از عالم؛ ۲. تقلید عالم از جاهل؛ ۳. تقلید جاهل از جاهل؛ ۴. تقلید جاهل از عالم. در این میان تنها نوع چهارم صحیح است، اما تقلید جاهل از جاهل و یا عالم از جاهل، کورکرانه و زمینه‌ساز بسیاری از مفاسد و جنایات است.

تقلید کورکرانه یعنی نداشتن استقلال فکری و وابستگی ذلتبار به دیگران که به دنبال آن مدپرستی، هرزه‌گرایی و زندگی پوچ و طفیلی می‌آید. تقلید کورکرانه از نیاکان، منطق سنتی است که مشرکان در برابر پیامبران اقامه می‌کردند و همین منطق بی‌اساس نمی‌گذشت از گناهان و انحرافات عقیدتی و اخلاقی دست بکشند. قرآن می‌فرماید:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بُلْ تَبَعُّ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا. (بقره / ۱۷۰)  
و هنگامی که به مشرکان گفته می‌شد از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، در پاسخ می‌گفتند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.

#### ۱-۷. شخصیت‌گرایی

انسان در زندگی به الگو نیاز دارد و الگو باید انسان کامل باشد تا با پیروی از او بتوان به اهداف عالی انسانی رسید.

همیشه وجود سرمشق‌های بزرگ وسیله مؤثری برای تربیت بوده است و انسان طبعاً الگوگرا است و در تمام ابعاد زندگی می‌خواهد، شخصی را الگوی خود سازد و به دنبال او حرکت کند، ولی اگر فرهنگ صحیحی در جامعه نباشد، الگوهای کاذب، جایگزین الگوهای صحیح می‌شوند و ضربات سنگینی بر انسانیت وارد می‌گردد. در قرآن، تعبیر «أَشْوَةُ حَسَنَةٍ» که به معنی تأسی و پیروی نیک است، سه بار آمده است.

<sup>۱</sup> تلقین یعقوب به فرزندانش این بود که اگر یوسف را به صحراء ببرید، می‌ترسم گرگ او را بخورد. آنها از تلقین پدر سوءاستفاده کردند و همین را دستاویز خود قرار دادند.

(احزاب / ۲۱، ممتحنه / ۶ و ۴) و پیامبر اسلام ﷺ و ابراهیم خلیل ﷺ به عنوان اسوه حسنی معرفی شده‌اند.

### ۱ - ۸. کتمان حق

کتمان حق، علم و هر ارزشی، از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز گناه است و موجب انحراف و برچیده شدن حق و ارزش‌ها از جامعه می‌شود، لذا قرآن بهشت از آن نهی می‌کند:

وَلَا تَأْلِمُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَئُلُّهُمْ يَعْلَمُونَ. (بقره / ۴۲)  
وحق را با باطل نیامیزید و حقایق را با اینکه می‌دانید، کتمان نکنید.

کتمان‌کنندگان حق در آیه ۱۵۹ همین سوره مشمول لعن خدا و لunt کتمان‌کنندگان قرار گرفته‌اند.

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

من سئل عن علم یعلمه فکتم لجم یوم القيامة بلجام. (قمی، ۱۳۷۴ / ۲ : ۴۷۰)  
من نار هرگاه از دنایی چیزی سؤال شود ولی او با اینکه جواب پرسش را می‌داند کتمان کند، در قیامت افساری از آتش بر دهان او زده شود.

### ۲. ریشه‌های خانوادگی گناه

یکی دیگر از ریشه‌ها که نقش بسزایی در کشاندن انسان به گناه دارد، ریشه‌های بد خانوادگی است، چنان‌که ریشه‌های نیک در اجتناب از گناه مؤثرند.

آیین جامع و سازنده اسلام برای اینکه خانواده براساس درست پیری شود و ثمرات آن نیز سالم باشد، از همان آغاز دستورهایی داده است که اگر به طور دقیق رعایت شود، قطعاً نتایج درخشانی خواهد داشت، از جمله: قانون وراثت، ازدواج، تربیت فرزند و تعذیه.

### ۲ - ۱. قانون وراثت

از نظر علمی و دینی مسلم است که همان‌گونه که فرزندان در شئون جسمی از پدر و مادر ارث می‌برند، در امور معنوی و حالات روحی نیز ارث می‌برند. به چند شاهد در این‌باره توجه می‌کنیم.

۱. در قرآن می‌خوانیم که حضرت نوح ﷺ در مورد قوم گنهکار خود چنین نفرین کرد:

وَقَالَ نُوحُ رَبِّي لَا تَدْرِزْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا \* إِنَّكَ إِنْ تَدْرِزُهُمْ يَضْلُّوا عِبَادَكَ وَلَا  
يُلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَارًا. (نوح / ۲۶ و ۲۷)

پروردگار!! احدهی از آنان را روی زمین زنده مگذار، چراکه اگر آنها را زنده بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.

آیه به قانون وراثت اشاره می‌کند که براساس آن پدر و مادر ناپاک، موجب تولد فرزند ناپاک خواهد شد.

۲. در زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام و بعضی از زیارت‌های دیگر خطاب به ائمه علیهم السلام می‌خوانیم:

أَشَهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِحَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنْجِسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ  
بَأَنِّجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدَلَّهَمَاتٍ ثِيَابِهَا.

گواهی می‌دهم تو نوری در پشت‌های بلند مرتبه و در رحم‌های پاک بودی. دوران جاهلیت تو را با پلیدی‌هایش آلوده نساخت و سیاهی جامه‌هایش را بر تن تو نکرد.

این عبارت معروف در زیارت‌نامه‌ها، به طهارت و پاکی پدران و مادران امامان معصوم علیهم السلام اشاره دارد؛ اینکه آنها از هر نظر پاک بوده‌اند و قداست و پاکی را به ارت برده‌اند.

۳. امیرمؤمنان علی علیه السلام در عهده‌نامه خود به مالک اشتر، به افرادی که از «بیوتات صالحه» (از خانواده‌های صالح و پاک) برخاسته‌اند، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

ثُمَّ الصَّقْ بِذَوِي الْمُرْوَءَاتِ وَالْأَخْسَابِ وَأَهْلِ الْبَيْوَاتِ الصَّالِحَةِ. (شریفترضی،  
بی‌تا: ن ۵۳)

روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و از خاندان‌های صالح برقرار ساز.

از این کلام استفاده می‌شود که برای کارهای کلیدی باید افرادی را برگزید که از خاندان‌های پاک می‌باشند.

## ۲ - ازدواج

ازدواج و تشکیل خانواده از ضرورت‌های اجتماعی است که در دین اسلام بسیار به آن

سفارش شده است و نیز تأکید شده که اموری در انتخاب همسر رعایت شود. همسر خوب زمینه‌ساز فرزندان نیک است و از زن آلوه توقع فرزند نیک نیست و زنان ناصلاح یکی از ریشه‌های انحراف و گناه می‌باشند. این مطلب در روایات هم مورد توجه است، از جمله:

#### ۱. پیامبر ﷺ در اجتماعی برای مردم چنین فرمودند:

ایها الناس ایاکم و خضراء الدّمَن، [قیل یا رسول الله و ما خضراء الدّمَن؟ قال:] المراة الحسناء في منبت السوء. (حر عاملی، ۱۴۰۹ / ۲۹) ای مردم! از سبزی‌هایی که از ریشه‌هایی کشیف می‌روید، دوری کنید. [شخصی پرسید، آن سبزی‌ها چیست؟ فرمود:] زن زیبا در خاندان بد.

#### ۲. شخصی به حضور رسول خدا ﷺ آمد و در مورد ازدواج مشورت کرد، حضرت فرمود:

أنكح وعليك بذات الدين. (همان / ۳۰)  
ازدواج کن، و بر تو باد دیندار.

#### ۳. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

ایاکم وتزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء، وولدها ضياع. (همان / ۵۶)  
از ازدواج با زن‌های کم‌عقل بپرهیزید، زیرا همنشینی با آنها بلا است و فرزندشان (در مسیر) تباہی است.

#### ۲ - ۳. تربیت فرزند

یکی از دستور العمل‌های مهم اسلام، تربیت فرزند براساس برنامه‌های صحیح است، زیرا عدم تربیت یا تربیت ناصحیح از ریشه‌های پیدایی انحراف و گناه در فرزندان می‌باشد. در اسلام به این امر مهم بسیار توجه شده است.

براساس آموزه‌های دینی برای زن بعد از ازدواج هیچ چیزی مانند شوهرداری و خانه‌داری و فرزندداری نیست و اگر او این سه مسئولیت بزرگ را صحیح انجام دهد، همه مشکلات زندگی مشترک رفع می‌شود و اعضای خانواده دارای یک زندگی سالم و خوشبخت خواهند شد. اگر به این سه موضوع توجه شود، نخستین و بزرگ‌ترین گام برای تعلیم و تربیت فرزند

برداشته شده است. شوهر نیز باید در حدّ توان زن را برای انجام صحیح و کامل این سه وظیفه کمک کند.

در تربیت فرزند گرچه پدر و مادر هر دو مسئول‌اند، ولی سنگینی کار معمولاً<sup>۲</sup> بر دوش مادر است، زیرا او بیشتر به بچه نزدیک است و با او سر و کار دارد.

به‌حال پدر و مادر در تربیت فرزند نقش بسیار دارند تا جایی که رسول اکرم ﷺ فرمود:

كَلَ مُولُودٌ يَوْلَدُ عَلَيِ الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ لَيَكُونَ أَبُوهُمَا اللَّذَانِ يَهُوَدَانِهِ وَيَعْصِرَانِهِ.  
(عروسوی حوزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۸۴)

هر نوزادی بر فطرت اسلام و دین دور از شرک متولد می‌شود، و رنگ‌هایی همچون یهودیت و نصرانیت انحرافی از طریق پدر و مادر بر او تحمیل و القا می‌گردد.

رَحْمَ اللَّهُ عَبْدًا اعْنَانَ وَلَدَهُ عَلَيِ بِرَهْبَانِ الْيَهُودِ، وَالثَّالِفُ لَهُ وَتَعْلِيمُهُ وَتَأْدِيبُهُ.  
(نوری، ۱۴۰۸: ۲ / ۶۲۶)

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را بر نیکی و سعادتش یاری کند. به او احسان نماید و با او انس و الفت بگیرد و به آموزش و پرورش او بپردازد.

رَحْمَ اللَّهُ وَالدِّينِ اعْنَانَ وَلَدَهُمَا عَلَيِ بِرَهْبَانِ.  
(کلینی، ۱۳۶۵: ۶ / ۴۸)

خداوند پدر و مادری را رحمت کند که فرزندشان را در راه سعادتشان یاری نمایند.

رسول خدا ﷺ نماز ظهر را با مردم به جماعت خواند، ولی بر خلاف معمول، دو رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد. مردم بعد از نماز پرسیدند آیا حادثه‌ای رخ داد که نماز را این‌گونه تمام کردید؟ فرمود: «أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟؛ آیا صدای گریه کودک را نشنیدید؟» (همان) یکی از وظایف مهم پدر و مادر توجه عمیق و جدی به حفظ عفت و پاکدامنی کودکان است. در این خصوص پیامبر ﷺ می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَأَنْ يَجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَالصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظَرُ إِلَيْهِمَا.  
(مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۳ / ۲۹۵)

بپرهیزید از اینکه در حالی آمیزش کنید که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد.

در قرآن کریم هم می‌خوانیم:

وَالَّذِينَ لَمْ يَنْلُغُوا الْحُلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ  
مِنَ الطَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْزَاتٍ لَكُمْ. (نور / ۵۸)

و کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت از شما اجازه بگیرند؛ قبل از نماز فجر و در نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شما است.

در آیه‌ای دیگر در مورد فرزندان بالغ می‌خوانیم:

وَإِذَا بَلَغُ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلْمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. (نور / ۵۸)  
و هنگامی که اطفال شما به بلوغ برسند، باید (در همه وقت برای ورود به اطاق والدین) اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند، اجازه می‌گرفتند.

این دستور متوجه اولیای اطفال است و آنها باید این احکام را به کودکان خود - اعم از دختر و پسر - بیاموزند که هنگام ورود به اطاق خصوصی پدر و مادر اجازه بگیرند. مسامحه کاری در اجرای این دستورات به هیچ وجه صحیح نیست و گاه سهل‌انگاری پدر و مادر و برخورد کودکان با چنان منظره‌هایی سرچشم‌انحراف اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی و آلودگی جنسی می‌شود.

#### ۲ - ۴. تغذیه

از نظر علم و دین مسلم است که علاوه بر اینکه غذا در جسم انسان اثر می‌گذارد و موجب حفظ و تقویت آن می‌شود، در روح او نیز مؤثر است. همان‌گونه که غذای سمی جسم انسان را مسموم می‌کند، غذای حرام روح او را آلوده می‌سازد، لذا در قرآن کریم می‌خوانیم:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَكَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ... . (مائده / ۳)

گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیوان‌هایی که به غیر نام خدا ذبح شوند و ... بر شما حرام است.

زیان‌های جسمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حرام خواری بر کسی پوشیده نیست، و این کار از بزرگ‌ترین خطراتی است که انسان را از نظر فردی و اجتماعی تهدید به نابودی و سقوط می‌کند، از این‌رو شایسته است نگاهی به این موضوع از منظر روایات بیندازیم.  
امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ما من عبادة افضل من غمة البطن والفرج. (الامین، ۱۳۴۳ / ۲ : ۴۴۸)  
هیچ عبادتی بهتر از نگهداشتن شکم از مال حرام و پاکدامنی نیست.

الذنوب كلّها شديدة و اشدّها ما نبت عليه اللحم والدم. (مجلسی، ۱۴۰۴ / ۷۳ : ۳۱۷)

همه گناهان سنگین و بزرگ هستند، و سنگین‌ترین آنها گناهی است که بر اثر آن گوشت و خون بروید.

ان الرجل اذا اصاب مالاً من حرام لم يقبل منه حج و لاعمرة ولا صلة رحم. (قمی، ۱۳۷۴ / ۱ : ۴۴۸)

هرگاه شخصی به مال حرامی برسد، حج و عمره و صله رحم او پذیرفته نمی‌شود.

### ۳. ریشه‌های اقتصادی گناه

گاهی امور اقتصادی زمینه گناه می‌شود. این ریشه خود بر دو گونه است: سرمایه و ثروت؛ فقر و تهییدستی.

انسان گاهی از بی‌پولی طغیان می‌کند، و گاهی بر اثر ثروت زیاد و بادآورده سر به نافرمانی بر می‌دارد.

#### ۳ - ۱. سرمایه و ثروت

آیات و روایات در این باره بسیار است، که چند نمونه ذکر خواهد شد، ولی باید توجه داشت که سخن ما این است که سرمایه و ثروت گاهی زمینه‌ساز فساد و گناه می‌شود؛ نه اینکه دلیل فساد و گناه باشد؛ آن‌گونه که کمونیست‌ها می‌گویند و فرق است بین زمینه و علت. به عبارت روشن‌تر، سرمایه علت گناه نیست، بلکه در مواردی انسان را متمایل و مشتاق به گناه می‌کند.

## در قرآن می‌خوانیم:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيُطْغِي \* أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى . (علق، ۶ و ۷)  
و همانا انسان طغيان می‌کند، به خاطر اینکه خود را بنياز می‌بیند.

آیه نمی‌گوید که داشتن پول و ثروت، علت و عامل فساد است؛ بلکه می‌گوید اگر انسان خودش را بنياز ببیند، یاغی می‌شود، ولی اگر این دید و بینش را نداشته باشد، سرمایه علت فساد وی نخواهد شد.

سرمایه در دو صورت عامل فساد است، اول اینکه دید انسان این باشد که سرمایه از من است. دوم اینکه انسان معتقد باشد که در تحصیل و مصرف سرمایه هرگونه بخواهد آزاد است.

آیات و روایات اسلامی خدا را مالک اصلی و سرمایه را از آن خدا و روزی او می‌دانند، برای همین در قرآن هفت بار «رَزَقْنَاكُمْ»؛ ما به شما روزی دادیم، سیزده بار «رَزَقْنَاهُمْ»؛ ما به آنها روزی دادیم» و پنج بار «يَرْزُقُكُمْ»؛ خداوند به شما روزی می‌دهد» آمده است.

خداوند در مورد چگونگی تحصیل و مصرف سرمایه نیز حد و مرزی قرار داده است، مانند اینکه از راه ربا، دروغ، رشوه و ظلم نباشد.

ثروت در دست فرعون و قارون عامل فساد است. ولی در دست حضرت سليمان و حضرت داود ﷺ مایه برکت و آبادانی و جبران کمبودهای اقتصادی و اجتماعی است.

در قرآن دو نمونه از صاحبان ثروت و مکنت مطرح شده است؛ یکی حضرت سليمان ﷺ و دیگری قارون. اولی سرمایه و ثروت را از آن خدا دانست «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي وَأَشْكُرُ أَنَّمَا أَكُفُّرُ» (نمل / ۴۰) و آن را وسیله وصول به رضوان خدا قرار داد و دیگری از آن خود دانست «إِنَّمَا أَوْتَيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص / ۷۸) و آن را وسیله عیاشی و زرق و برق دنیا قرار داد.

**مُترف در قرآن**  
واژه «مُترف» با شکل‌های مختلف هشت بار در قرآن آمده است. مترف از ماده ترفه (بر وزن لقمه) به معنی فزونی نعمت است که صاحبش را غافل و مغدور و مست سازد، به گونه‌ای که

طبعیان نماید. برای مثال در آیه ۳۴ سبأ می‌خوانیم:

وَمَا أَزْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ تَنْدِيرٍ إِلَّا قَالَ مُشْرِفُوهَا إِنَّا أَزْسَلْنُمْ بِهِ كَافِرُونَ.  
ما در هیچ شهر و دیاری پیامبر انذار کننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه مترفین (مست  
شدگان از ناز و نعمت) گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده‌اید کافر هستیم.

این گونه ثروت که موجب مستی و غرور و زمینه گناه شود، در قرآن رشت شمرده شده و  
صاحبان آن نیز به شدت مورد هشدار و اخطار قرار گرفته‌اند.

### ۳ - ۲. فقر و تهیدستی

فقر و تهیدستی هم گاهی زمینه‌ساز گناه می‌شود، لذا در روایات اسلامی از آن مذمت شده است؛ فقری که از استعمار و استثمار سرمایه‌داران چپاولگر و اوضاع نابسامان اقتصادی  
دامنگیر انسان‌ها می‌شود و مولود هرج و مرج اقتصادی و یا محصول تبلی و سستی است.  
همین فقر و نادراری بسیاری را به گناه و انحراف‌هایی مانند: اعتیاد، دزدی و جنایات دیگر  
می‌کشاند، چنان که در مثل‌ها آمده است: آدم گرسنه ایمان ندارد، بنابراین برای سالم‌سازی  
محیط لازم است به طور جدی و اساسی با فقر و نادراری مبارزه کرد. برای تکمیل موضوع به  
چند روایت از امیرمؤمنان علیهم السلام توجه می‌کنیم. آن حضرت می‌فرماید:

الْفَقْرُ الْمَؤْتُ الْأَكْبَرُ: (شريف‌رضی، بی‌تا: ح ۱۶۳)  
فقر مرگ بزرگ است.

القبر خير من الفقر. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ذیل (فقر))  
قبر بهتر از فقر و تهیدستی است.

### ۴. ریشه‌های اجتماعی گناه

درباره زمینه‌های اجتماعی گناه می‌توان این امور را بررسی کرد: محیط فاسد؛ رهبران گمراه؛  
دوستان بد؛ محرومیت‌های اجتماعی.

#### ۴ - ۱. محیط فاسد

بی‌تردید محیط فاسد و ناپاک یکی از ریشه‌های گناه است؛ همان‌گونه که مکان زباله، موجب

پیدایش و رشد میکروب است.

تأثیر محیط در قرآن در آیه‌های ۱۳۸ تا ۱۴۱ سوره اعراف آمده است. هنگامی که موسی ﷺ و پیروانش از بیوغ فرعون نجات یافتند و از دریا گذشتند، به قومی برخوردند که اطراف بتهای خود را با خضوع و تواضع گرفته بودند، همراهان موسی ﷺ چنان تحت تأثیر این صحنه قرار گرفتند: «يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»؛ (اعراف / ۱۳۸) ای موسی! برای ما معبدی قرار بده؛ همان‌گونه که آنها معبدانی دارند.» آری! همراهان موسی ﷺ با اینکه همواره از راهنمایی‌های حضرت بهره‌مند می‌شدند، این‌گونه تحت تأثیر محیط قرار گرفتند.

موسی ﷺ آنها را سرزنش کرد و فرمود:

إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ \* إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِرُّ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (اعراف / ۱۳۹ و ۱۳۸)

شما قطعاً جمعیتی جاهم و نادان هستید. اینها (را که می‌بینید) سرانجام کارشان نابودی است و آنچه انجام می‌دهند، باطل و بیهوده است.

هجرت از محیط فاسد یکی از موضوعات جالبی که در اسلام مطرح شده، هجرت و دوری از محیط فاسد است. آنجا که فساد محیط را فرا گرفته و انسان نمی‌تواند آن را عوض کند، بلکه دین خودش در خطر شدید قرار می‌گیرد، باید برای حفظ دین، از محیط ناپاک هجرت کند و به مکان دیگر که زمینه حفظ دین فراهم‌تر است، برود؛ اما اگر افراد در محیط فاسد بمانند و تحت تأثیر قرار گیرند، نمی‌توانند گناه خود را به محیط نسبت دهند. چنان‌که در قرآن به چنین افرادی اخطار و جایگاه دوزخ برای آنها اعلام شده است.

در تاریخ آمده است: عده‌ای از مسلمانان که در مکه سکونت داشتند به خاطر خانه و اموالشان با پیامبر ﷺ و مسلمانان به مدینه هجرت نکردند و حتی برای حفظ خانه و اموالشان در صفوف مشرکان در جنگ بدر شرکت کردند و به دست مسلمانان کشته شدند.

قرآن درباره آنها فرمود:

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمٖي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فَيْمَ كُثُّمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَصْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتَهَا حِرْزُوا فِيهَا فَأَوْلَئِكَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. (نساء، ۹۷)

کسانی که فرشتگان روح آنها را گرفتند، در حالی که آنها به خود ظلم نمودند. (و در صف مشرکان به جنگ آمدند و کشته شدند)، به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صف کافران جای داشتید؟ آن مسلمانان) گفتند: ما در سرزمین خود (مکه) تحت فشار بودیم، فرشتگان به آنها گفتند: مگر سرزمین خدا وسیع نبود که به جای دیگر مهاجرت کنید. پس آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند.

در قرآن ۲۶ بار از هجرت سخن به میان آمده و در بعضی از آیات پاداش بسیار برای مهاجران ذکر شده است. هجرت از گناه یکی از مصادیق هجرت است.  
در محضر امام صادق علیه السلام از محیط فاسد یکی از بلاد که در آخرالزمان گناه و فساد و انحراف سراسر آن را فرا می‌گیرد سخن به میان آمد. امام به یکی از شاگردان خود به نام مفضل فرمود:

اگر تو می‌خواهی دینت را حفظ کنی آنجا را محل سکونت خود قرار نده؛ زیرا آنجا محل فتنه و آشوب است.

وَفِرْمَنْهَا إِلَيْيَ قَلْهَ الْجَبَالِ وَمِنَ الْحِجَرِ الْحِجَرِ (بداؤنی، ۱۳۸۱: ۸۷۵)  
و از آنجا از سنگی به سنگ دیگر (یا از بیشه‌ای به بیشه دیگر) فرار کن.

#### عوامزدگی یا جوzdگی

یکی از عوامل محیط، عوامزدگی است که از آن گاهی به جوzdگی تعبیر می‌شود. اسلام به انسان‌ها می‌آموزد که فکر و ذکر و کارشان در راستای اطاعت و رضایت خدای بزرگ باشد. آنچه را که خشنودی خدا در آن هست، دوست بدارند و آنچه را که خشم خدا در آن هست، دشمن بدارند و معیار تصمیم‌گیری و انتخابشان براساس فرمان خدا باشد؛ نه خواست مردم؛ زیرا اگر معیار کارها جو عمومی جامعه باشد و همنگ جماعت شدن ملاک انتخاب‌ها و رفتارها گردد، مسلماً انسان از حال و هوای الهی بیرون می‌آید و به هوش‌های مردم آلوده می‌شود.

اسلام، خواست اکثریت را معیار حق و باطل قرار نمی‌دهد، بلکه گاهی اکثریت را رد می‌کند، از این‌رو امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

کسی که خشنودی مردم را با چیزی که موجب خشم خدا می‌شود، بجوید، همان ستایش‌کننده او از مردم، سرزنش‌کننده او خواهد شد و کسی که اطاعت خدا را با چیزی که باعث خشم مردم می‌شود، بجوید، خداوند او را از دشمنی هر دشمن و از حسادت هر حسود و از ظلم هر ستمگر، کفایت می‌کند، و خداوند قطعاً یار و یاور او خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۵ / ۵ : ۶۳)

#### عوامل تباہی محیط

در اسلام از اموری مانند تجاهر به فسق، شایع کردن گناه، کمک به گناه، راضی شدن به گناه، غیبت، ترک امر به معروف و نهی از منکر، انتخاب رهبران فاسد، ترک اجرای حدود الهی و ... که هر کدام نقشی در فاسد کردن محیط دارند، به شدت نهی شده است.

همچنین از گناهانی که رابطه مستقیم با فاسد کردن محیط دارند، مانند، بی‌حجابی، برنامه‌های گمراه‌کننده مانند فیلم‌های ضدآلاق و اعتیاد به مواد مخدر و... نه تنها نهی شده؛ بلکه بر حکومت اسلامی لازم است که به شدت از آنها جلوگیری نماید، و از این بالاتر، بر عموم مردم واجب است که نظارت عمومی بر اوضاع داشته باشند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. اگر با دقت بنگریم، می‌بینیم که اجرای این دو وظیفه بزرگ نقش اساسی در پاکسازی محیط دارد.

گناه اجتماعی به مراتب بدتر از گناه فردی است، زیرا موجب عادی شدن گناه می‌گردد و بذر گناه را در همه جا می‌پاشد. پیامبر اکرم ﷺ درباره گناه اجتماعی چنین مثال می‌زند و می‌فرماید:

جمعی سوار کشته شدند. هر کس در جای خود نشست و کشته در دریا به حرکت درآمد. در این میان مردی تیشه‌ای برداشت و به سوراخ کردن محلی که نشسته بود، پرداخت، به او گفتند: چه می‌کنی؟ در پاسخ گفت: اینجا جای خودم است و هر کار دلم بخواهد، آزادم که انجام دهم.

اگر تیشه را از دست او بگیرند، هم او و هم دیگر سرنشیانان کشته نجات می‌یابند و گرنه او و دیگران همه غرق و نابود می‌شوند. (ابن‌ابی‌فراص، بی‌تا: ۲ / ۲۹۴)

اینک گناهانی را که موجب تباہی محیط می‌گردند، به طور فشرده بررسی می‌کنیم و با میزان زشتی این گناهان نیز آشنا می‌شویم:

یک. آشکار نمودن گناه  
در قرآن کریم می‌خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ يَحْبُّونَ أَنَّ تَشْيِعَ الْفَاحِشَةَ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.  
(نور / ۱۹)

کسانی که دوست دارد زشتی‌ها میان مردم با ایمان شیوع یابد، برای آنها عذاب دردناکی در دنیا و آخرت هست.

جالب اینکه آیه می‌گوید این دوست داشتن گرچه به مرحله عمل نرسد، موجب عذاب دردناک خواهد بود. این تعبیر بیانگر نهایت تأکید در پرهیز از شیوع گناه است. بهر حال اگر خواهان جامعه سالم هستیم، یکی از راههای تحقق آن پوشانیدن گناه است تا گناهان، بزرگ شمرده شوند و عادی نگرددن. برای روشن شدن مطلب به روایات زیر توجه می‌کنیم:

۱. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا. (کلینی، ۱۳۶۵ / ۲ : ۳۵۶)  
کسی که کار زشتی‌ای را شیوع دهد، مانند انجام‌دهنده‌اش است.

۲. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

يجب للمؤمن ان يسترعليه سبعين كبيرة. (قمی، ۱۳۷۴ / ۱ : ۵۹۸)  
بر مؤمن واجب است گناهان مؤمن دیگر را تا هفتاد گناه کبیره بپوشاند.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

من در مورد (نجات و عفو) این امت در شخصی که حق ما را شناخت امید دارم؛ جز در مورد یکی از سه فرد: ۱. سلطان ستمنگر ۲. همنوای هوس‌های نفسانی ۳. گنهکاری که گناه خود را آشکارا انجام می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۴ : ۳۵۵ / ۷۳)

## دو. بی‌حیایی و پرده دری

بی‌شرمی و پاره کردن پرده حیا یکی از عوامل تباہی محیط و گسترش گناه و فساد در جامعه است، لذا برای پاکسازی و پاک نگهداشتن محیط باید حیای اسلامی را حفظ کرد.  
حیا در برابر خدا، حیا در برابر مردم، حیا در نزد خود، که هر کدام نقش مؤثری در سالم سازی محیط دارند.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِسْتَحْيِوَا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاةِ . (جعفر بن محمد ؓ (منسوب به)، ۱۴۰۰ : ۸۶)

به طور کامل از خدا حیا کنید.

امیرمؤمنان علی ؓ می‌فرماید:

مِنْ لَا يَسْتَحِيِّي مِنَ النَّاسِ لَمْ يَسْتَحِيِّي مِنَ اللَّهِ . (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵ / ۲ : ۵۶۶)

کسی که از مردم حیا نمی‌کند، از خدا حیا نمی‌کند.

مسئله حیا در قرآن هم با تعبیرهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، مانند:

۱. حیای در زبان.

وَلَا تُسْبِّحُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيُسْبِّحُوا اللَّهَ عَذْفًا بِعَيْرِ عِلْمٍ . (انعام / ۱۰۸)

و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، ناسزا نگویید که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می‌گویند.

۲. حیای در طرز سخن گفتن.

فَلَا تَحْضُنْ بِالْقُوْلِ فَيُظْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ . (احزاب / ۳۲)

پس به نرمی و کرشمه سخن نگویید تا (میادا) آن که در دلش بیماری هست، طمعی پیدا کند.

۳. حیای در راه رفتن.

فَجَاءَهُمْ إِحْدَاهُمَا نَمَثِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ . (قصص / ۲۵)

پس (چیزی نگذشت که) یکی از آن دو (زن) درحالی که با حیا و عفت راه می‌رفت، نزد او آمد.

#### ۴. حیای در شرکت در مجالس مهمانی.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ الَّذِي إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ . (احزاب / ۵۳)  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه پیامبر وارد نشوید؛ مگر آنکه به شما اجازه داده شود.

#### ۵. حیای در نگاه کردن.

فُلٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يُغْصُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... \* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يُغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ . (نور / ۳۰ و ۳۱)

به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیرمجاز) چشم‌پوشی کنند ... و به زنان با ایمان بگو از بعضی نگاه‌های خود (نگاه‌های غیر جاز) چشم‌پوشی کنند.

#### ۶. حیای در امور اقتصادی.

حَسْبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْنِيَاءَ مِنَ الشَّعْفِ . (بقره / ۲۷۳)  
شخص بی اطلاع آنها را از شدت عفاف و آبروداری غنی می‌پندارد.

#### ۷. حیای در ورود به منازل.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَثُوا أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَلْعُغُوا الْمُلْمَمَ مِنْكُمْ  
ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصَعُّونَ ثَيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ  
الْعِشَاءِ . (نور / ۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وقت از شما (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا.

## س. بی تفاوتی و تماشچی بودن

اسلام با دستور دقیق و گسترده دو فریضه مهم «امر به معروف و نهی از منکر» و دو وظیفه عمیق «تولی و تبری» و «جهاد و دفاع» به پیروان خود دستور می‌دهد نسبت به رویدادهای جامعه تماشچی و بی تفاوت نباشد، بلکه با ناظارت دقیق، در صحنه حضور یابند، از هرگونه فساد جلوگیری نمایند، به گسترش نیکی‌ها همت گمارند، در عقیده و عمل به یاری دوستان خدا «تولی» بپردازنند و از دشمنان خدا بیزاری «تبری» جویند.

تولی یعنی عشق و رزیذن به خوبان و تأیید عملی راه آنان. این ویژگی در درازمدت آثار بسیار عمیق، گسترده و نتیجه‌بخشی در راستای پاکی محیط دارد. منظور از تبری هم قهر با فاسقان و ستمگران و بی‌اعتنایی به آمهاست.

## چهار. رضایت به گناه

خاموشی در برابر گناه و رضایت به گناه گنهکار از زمینه‌سازهای اجتماعی گناه است و نقش مهمی در پیدایش و استمرار آن دارد.

خداؤند در آیه ۱۸۳ سوره آل عمران به یهودیان زمان پیامبر اسلام ﷺ که به پیامبرکشی اجدادشان راضی بودند، می‌فرماید، «شما قاتل هستید!»

امام صادق علیه السلام هم آنان را که در عصر ایشان، به قتل امام حسین علیه السلام در کربلا خشنود بودند، قاتل معرفی می‌کند و با استناد به آیه مذکور می‌فرماید: رضایت به قتل، انسان را در صف قاتلان قرار می‌دهد. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۴۱۲ و ۵۰۹)

در جریان کشتن ناقه صالح هم با اینکه قاتل یک نفر بود، خداوند همه را مشمول عذاب نمود و کشتن ناقه را به همه آنها نسبت داد و فرمود: «فَعَذَّرُوهَا» (هود / ۶۵؛ شعراء / ۱۵۷؛ شمس / ۱۴)

روایات در این باره بسیار است و برای نمونه تنها به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

۱. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

الراضي بفعل قوم كالداخل فيه معهم وعلى كل داخل في باطل اثمان اثم العمل به و اثم الرضا به. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۴۱۱)

آن کس که به کار جمعیتی راضی باشد، همچون کسی است که در کار آنها دخالت و شرکت دارد و آن کس که در کار باطل دخالت دارد، دو گناه می‌کند: یکی گناه عمل و یکی گناه رضایت به گناه.

## ۲. رسول اکرم ﷺ فرمود:

هرگاه گناهی در زمین پیدا شود آن کس که در کنار گناه، ناظر و حاضر ولی از آن متنفر است، مانند کسی است که از آن گناه غایب است و کسی که از گناه غایب (و دور) ولی به آن خشنود و راضی است، مانند کسی است که در انجام آن گناه حاضر و شریک است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ / ۱۱)

پنج. کمک به گناه و ظلم

یکی از ریشه‌های اجتماعی که باعث گسترش گناه می‌گردد، یاری ظالم بر ظلم است، چراکه کمک به ظالم و گنهکار در جهت گناهش، او را نیرومندتر و گستاختر می‌نماید و همین پایه گسترش گناه و پیدایش گناهان دیگر می‌شود.

اسلام بهشت از کمک به گناه، بهخصوص اعانت ظالم، نهی کرده و هشدارهای مؤکدی در این زمینه داده است. اینک به آیات قرآن در این رابطه توجه می‌کنیم:

وَعَوَّذُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْقَوْمِ وَلَا تَعَوَّذُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعَذْوَانِ. (مائده / ۲)  
در کارهای نیک و تقوی یکدیگر را یاری کنید و در راه گناه و تعدی هرگز همکاری نکنید.

به راستی اگر در جامعه، همکاری در کارهای نیک و مثبت و سازنده باشد و از همکاری در گناه و ستم خودداری شود، بخش مهمی از نابسامانی‌ها، سامان می‌یابد و از گناهان بسیاری جلوگیری به عمل می‌آید.

وَلَا تَرْكُوا إِلَيِ الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ. (هود / ۱۱۳)  
بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می‌شود آتش دوزخ شما را فرگیرد.

آیه نشان می‌دهد که هرگونه تمایل، همکاری، دوستی و اظهار رضایت به ظالمان، جرم

است، پس باید از آن برحدزr باشید و هرگونه پیوند خود را با آنها قطع کنید.

فَلَا تَتَعَدْ بَعْدَ الذِّكْرِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. (انعام / ۶۸)

بعد از توجه با قوم ستمگر منشین.

وَلَا طَعْنَ مِنْهُمْ آثِيَّاً أَوْ كَفُورًا. (انسان / ۲۴)

و از هیچ گنهکار و کافری اطاعت نکن.

به طور کلی تمام آیاتی که واژه‌های «لاتفع، لاتطیعوا، لاتتبع» در آنها آمده، بیانگر نهی از کمک به ظالمان و گنهکاران است.

در روایات نیز با عنوانین و تعبیرهای گوناگون از کمک به گناه و مساعدت ظالم نهی شده

است. ما به ذکر چند عنوان بسنده می‌کنیم:

کسی که بدعت‌گذاری را احترام کند یا به رویش بخندد و به او پناه بدهد، در نابوده اسلام کوشیده و از رحمت خدا به دور است. (مشکینی‌اردبیلی، بی‌تا:

(۴۵ و ۴۴ / ۱)

هر کس خواهان بقای ظالم باشد یا او را مدح کند یا در برابر او فروتنی نماید، در گناه کار او شریک است و در جوار هامان (دلال مظالم فرعون) در جهنم خواهد بود. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۱۳۳ و ۱۳۴)

کسی که نام خود را در فهرست حقوق‌بگیران زمامداران ظالم بنویسد، خداوند او را در قیامت به صورت خوک محشور می‌کند. (همان)

نگاه (باتوجه) به چهره زمامدار ستمگر از گناهان کبیره است. (مجلسی، ۱۴۰۴:

(۳۷۴ / ۷۵)

پذیرش امامت جماعت دربار ظالم، کمک به ظلم است و پذیرنده‌اش مشمول لعن خدا است. (همان / ۳۸۱)

گناه فروختن اسلحه به دشمنان اسلام در حد کفر است. (حر عاملی، ۱۴۰۹:

(۷۱ / ۱۲)

در روز قیامت صدا می‌زنند کجایند ظالمان و کجایند همکاران ظالمان؛ حتی آنان که برای آنها دفتر و قلم فراهم کردند، که همه آنها با هم وارد دوزخ می‌گردند. (همان / ۱۳۱)

اجrai دستور زمامدار ظالم باعث ورود به دوزخ با شدیدترین مجازات است.  
(همان / ۱۳۰)

رسول خدا<sub>صلی الله علیہ وسّلہ وعلّمہ</sub> ده گروه دستاندرکار شراب را لعنت کرد که عبارت‌اند از: کشاورز درخت انگور، نگهبان، تهیه‌کننده آن، حمال، فروشنده، خریدار، تاجر، واسطه، شراب دهنده و شرابخوار. (همان / ۱۶۵)

امام رضا<sub>علیه السلام</sub> به یکی از دو مسافری که خدمتش رسیدند، فرمود:

نمایت را تمام بخوان، زیرا به قصد دیدار سلطان آمده‌ای (و سفرت سفر معصیت است). (همان: ۵ / ۵۱۰)

شش. تشویق گنهکار  
از مطالب گذشته به دست می‌آید که یکی از ریشه‌های اجتماعی گناه و تباھی محیط، تشویق گنهکار است، چراکه این تشویق با هر عنوانی، به او بال و پر می‌دهد و گنهکار و دیگران را مشتاق بلکه حریص به گناه می‌سازد.

برای روشن‌تر شدن مطلب گردد به روایات زیر توجه می‌کنیم:

۱. حضرت علی<sub>علیه السلام</sub> در بخشی از عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

هرگز نباید شخص نیکوکار و شخص بدکار در نظرت مساوی باشند، زیرا برخورد مساوی موجب می‌شود نیکوکاران در نیکی خود بی‌میل و بدکاران در کار بدشان تشویق شوند. با هر کدام مطابق کارشان رفتار کن. (شریف‌رضی،  
بی‌تا: ن) (۵۳)

۲. رسول اکرم<sub>صلی الله علیہ وسّلہ وعلّمہ</sub> می‌فرماید:

اذا مدح الفاجر اهتز العرش و غضب الرب. (قمی، ۱۳۷۴ / ۲ : ۵۲۸)

وقتی آدم گنهکار مدح می‌شود، عرش خدا به لرزه درمی‌آید و پروردگار خشمگین می‌شود.

#### ۴ - ۲. رهبران گمراه

رهبران گمراه و زمامداران نالایق از زمینه‌سازان اجتماعی گناه هستند؛ چنان‌که مجریان غیرمعهدهد یا فاسد این گونه‌اند.

وَإِذَا أَرْدُنَا أَنْ نُهَلِّكَ قَرِيَّةً أَمْزَنَا مُثْرِفِيهَا فَمَسَّقُوا فِيهَا فَحَقًّا عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرَنَا هَا تَدْمِيرًا.  
(اسراء / ۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را بر متوفان (ثروتمندان مست شهرت و غرور) بیان می‌داریم، پس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات را یافتند، آنها را بهشدت درهم می‌کوبیم.

این آیه بیانگر آن است که سرمایه‌داران مغورو و از خدابی خبر منشأ غالب مفاسد اجتماعی‌اند؛ افرادی که زمام امور اجتماع را به دست می‌گیرند و دیگران را استعمار و استثمار می‌نمایند و مردم هم از آنها پیروی می‌کنند و به این ترتیب جامعه به فساد و تباہی کشیده می‌شود و به دنبال آن عذاب الهی آنها را فرا می‌گیرد.

آنها که در جامعه نفوذ دارند، نقش مؤثری در اصلاح یا افساد جامعه دارند، چنان‌که گفته‌اند:  
«الناس على دين ملوكهم»؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۲ / ۷) مردم بر دین شاهان خود هستند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الناس بامرأئهم أشبه منهم بأبائهم. (همان: ۷۵ / ۴۶)  
مردم به زمامدارانشان شبیه ترند تا پدرانشان.

در سوره کهف نیز می‌خوانیم:

وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ الْذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا. (کهف / ۲۸)  
از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ همانها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِنَّمَا أَخْافُ عَلَيٌّ أُمَّتِي ثَلَاثًا: شَحًا مُطَاعًا وَهُوَيْ مُتَبَعًا وَإِمَامًا ضَالًّا. (قمی، ۱۳۷۴)

(۷۴ / ۲)

در مورد امتم از سه چیز می‌ترسم: از بخل که پیروی شود و از هوس‌های نفسانی که اطاعت شود و از رهبر گمراه.

از سخنان امیرمؤمنان علیؑ است که فرمود:

فَلَيَسْتُ تَضْلُلُ الرَّعْيَةِ إِلَّا بِصَالَحِ الْوَلَاةِ. (شريف‌رضی، بی‌تا: خ ۲۱۶)  
مردم اصلاح نمی‌شوند؛ جز با اصلاح والیان و زمامداران.

اجرای قانون از ویژگی‌های رهبران صالح است، لذا پیامبر ﷺ فرمود:

ساعة إمام أفضل من عبادة سبعين سنة وحد يقام لله في الأرض أفضل من مطر الأربعين صباحاً. (کلینی، ۱۳۶۵: ۷ / ۱۷۵)

یک ساعت رهبری رهبر عادل بهتر از عبادت هفتاد سال است و حدتی که برای خدا در زمین اجرا گردد، بهتر از باریدن چهل روز باران است.

#### ۴ - ۳. همنشین و دوست بد

از نظر علمی و عملی ثابت شده است که انسان از ناحیه دوست و معاشر تأثیر می‌پذیرد و دوست و معاشر بد عامل ویرانگری برای شخصیت انسان است؛ چنان‌که دوست خوب عامل سازنده‌ای برای شخصیت انسان می‌باشد.

دوستان بد، پسر نوحؑ را به گناه می‌کشانند و خاندان نبوت او را می‌ربایند، ولی سگ اصحاب کهف بر اثر چند روز همنشینی با جوانانب بالایمان، خوش قلب و پاک باز چون اصحاب کهف، خوی نیک آدمی پیدا می‌کند.

توجه بسیاری به این موضوع در قرآن و روایات شده و سفارش‌های هشداردهنده و گسترده‌ای در این‌باره داده شده است که نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

۱. در عصر پیامبر اکرم ﷺ دو نفر از مشرکان مکه به نام‌های «عقبه» و «أبى» با هم

دوست بودند. عقبه هر وقت از مسافت باز می‌گشت، غذایی ترتیب می‌داد و بزرگان قوم را به خانه دعوت می‌کرد. وی با اینکه اسلام را قبل نکرده بود، اما پیامبر ﷺ را نیز دعوت می‌کرد و دوست داشت حضرت در غذای او شرکت نماید. روزی طبق معمول اشراف قوم و پیامبر ﷺ را دعوت کرد. هنگامی که سفره را گسترد و غذا را حاضر کرد، پیامبر ﷺ فرمود:

من از غذای تو نمی‌خورم مگر اینکه به یکتایی خدا و رسالت من گواهی دهی.

عقبه به یکتایی خدا و رسالت حضرت شهادت داد و اسلام را پذیرفت. وقتی خبر به گوش «ابی» رسید، به عقبه اعتراض کرد و گفت: تو از دین خود منحرف شده‌ای؟

عقبه گفت: من منحرف نشده‌ام، ولی مردی بر من وارد شد و حاضر نبود از غذایم بخورد؛ جز اینکه شهادتین بگوییم، من هم به خاطر اینکه او گرسنه از سر سفره من برخیزد، گفتم. ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم؛ مگر اینکه در برابر محمد بایستی و به او توهین کنی.

عقبه هم فریب سخن دوست بد خود را خورد و چنین کرد. وی در جنگ بدر در جرگه سربازان لشکر شرک به جنگ مسلمانان آمد و کشته شد، دوستش ابی نیز در جنگ احمد کشته شد. در ان هنگام بود که آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فرقان نازل شد و سرنوشت و مجازات سخت کسی را که بر اثر انتخاب دوست بد منحرف شده است، بیان نمود. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۷ / ۱۶۶)

وَيَوْمَ يَعْصُضُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدِيهِ يَقُولُ يَا أَيُّهُنَّيَ اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \* يَا وَيَائِيَ  
لَيَتَّئِنِي لَمْ اتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا \* لَكَدْ أَصَلنِي عَنِ الدِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ  
لِإِلْهَانِ خَدُولًا. (فرقان / ۲۹ - ۲۷)

روزی که ظالم دست خود را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم. ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نمی‌کدم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سوی من آمده بود و شیطان همواره انسان را از جاده راست طرد می‌کند.

این آیات بیانگر وضع «عقبه» و امثال او در قیامت است که رفیق بد را انتخاب کردند و همین انتخاب باعث انحراف و بدبختی آنان شد.

۲. در آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مدثر آمده است: بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند: چه چیزی

شما را به دوزخ فرستاد؟ آنها اموری را در پاسخ ذکر می‌کنند، از جمله:

وَكُنَّا نَحْوُنَا مَعَ الْخَائِضِينَ. (مدثر / ۴۵)

و ما پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم.

در روایات اسلامی نیز کمتر موضوعی مانند سرزنش از انتخاب همنشین بد، مورد توجه قرار گرفته است. ما به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

المرء على دين خليله وقرينه. (کلینی، ۱۳۶۵ / ۲ : ۳۷۴)

انسان بر دین دوست و همنشین خود است.

۲. امام جواد علیه السلام فرمود:

إياك ومصاحبة الشرير فإنه كالسيف المسلط يحسن منظره ويقبح أثره. (مجلسی،

۱۴۰۴ / ۷۴ : ۱۹۵)

از همنشینی با بدکار پرهیز کن که او چون شمشیر برهنه ظاهرش زیبا و اثرش زشت است.

۳. ابن نعمان می‌گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره با هم بودند. روزی به غلامش گفت: ای زنارا! کجا بودی؟ همین که امام این دشنام را شنید، به قدری ناراحت شد که دستش را محکم بر پیشانی خود زد و فرمود: سبحان الله! آیا نسبت ناروا به مادرش می‌دهی؟ من تو را آدم با تقوایی می‌دانستم؛ ولی اینک می‌بینم که تقوا نداری.

دوست امام عرض کرد: فدایت شوم، مادر این غلام از اهالی سند (از سرزمین هند) و بتپرست می‌باشد، بنابراین ناسازابه او اشکال ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نمی‌دانی هر امتی بین خود قانون ازدواج دارند؟ از من دور شو!

از آن پس هرگز ندیدم امام با آن دوست (ناسزاگو) با هم باشند، تا وقتی که مرگ بین آنها جدایی انداخت. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۳۳۱)

#### ۴ - ۴. محرومیت‌های اجتماعی

یکی از ریشه‌های اجتماعی گناه، محرومیت‌ها و واژدگی‌های اجتماعی است. افرادی که کارهایشان برای خدا و برپایه اخلاص نیست و تعریف و تکذیب جامعه معیار خوشبختی و بدبختی آنها است، اگر از جامعه مطرود و واژده شوند، دچار عقده حقارت و احساس خودکم‌بینی می‌شوند و همین عقده کینه و عداوت را در آنها به وجود می‌آورد و به سوی گناهان گوناگون کشانده می‌شوند.

راه چاره این است که علل واژدگی را بررسی و جبران کنند، ولی پایه اصلی اصلاح این است که کارها را براساس اخلاص تنظیم نمایند.

در تاریخ بسیار دیده شده است که افرادی بر اثر واژدگی اجتماعی چنان عقده‌ای، پریشان و درنده‌خو شده‌اند که به گناهان خطرناکی آلوده شده‌اند.

شاید دلیل احترام به یتیم، جبران محرومیت‌های او باشد، تا عقده‌ای، بار نیاید. و نیز شاید یکی از علل سفارش اسلام به مشورت با مردم، احترام به افکار آنها، نهی از نسبت دادن نام زشت به افراد، نهی از مسخره کردن یکدیگر و ... برای پیشگیری از بروز عقده حقارت باشد.

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> به یکی از شاگردان برجسته‌اش به نام جابر جعفی فرمود:

ای جابر! بدان که تو دوست ما نخواهی بود تا زمانی که اگر تمام اهل شهر تو جمع شوند و بگویند تو آدم بدی هستی، غمگین نشوی و اگر همه بگویند آدم خوبی هستی، خوشحال نشوی؛ بلکه وضع خود را بر کتاب خدا (قرآن) عرضه داری. اگر خود را چنین یافته که در خط قرآن گام برمی‌داری و در آنچه قرآن بی‌میل است، بی‌میلی و در آنچه قرآن مشتاق است، مشتاقی و از آنچه هشدار داده، ترسانی، استوار باش و مژده باد به تو که آنچه مردم درباره تو می‌گویند، آسیبی به تو نخواهد رساند. (قمی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۹۱)

## ۵. ریشه‌های روانی گناه

۱۲۵ ریشه‌های گناه و راهکارهای مقابله با آن ... □

یکی از ریشه‌های گناه به سرچشمه‌های روانی مربوط است. انسان بر اثر فشارها و رنج‌های مصنوعی و کاذب یا اعتقادهای ناصحیح، دچار عقده یا حالت و روحیه بد می‌شود و همین پدیده‌های روانی، زمینه گناهان مختلف را پدید می‌آورند.

سختگیری‌های نابجا، فشارهای ناصحیح، تن دادن به ذلت و خواری یا تحقیر افراد به جای تشویق و ... انسان را عقده‌ای بار می‌آورد و زمینه مساعدی برای پذیرش گناهان خطرناک در وجود او ایجاد می‌شود. برای توضیح و تجزیه و تحلیل موضوع باید به امور زیر توجه شود:

### ۵ - ۱. شخصیت و عزت انسان

انسان گل سر سبد موجودات جهان هستی است و خداوند هیچ موجودی را برتر از او نیافریده است، انسان از نظر جسم و روح، استعدادها و توانایی‌های فراوانی دارد.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا يَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَقَّنَاهُمْ مِنَ الطَّيَّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ  
كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَقْضِيَّاً (اسراء / ۷۰)

و ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های رهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم.

انسان دو نوع کرامت دارد:

۱. کرامت ذاتی: در آیه فوق مورد توجه است. انسان از این نظر بر همه موجودها و فرشتگان برتری دارد و از این جهت دارای زمینه و استعدادی است که هیچ موجودی ندارد.

۲. کرامت اکتسابی: بستگی به تقوی و اعمال نیک انسان دارد، چنان‌که در قرآن می‌خوانیم:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ إِنَّهُمْ اللَّهُ أَعْلَمُكُمْ (حجرات / ۱۳)  
قطعًا گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا، پرهیز‌کارترین شماست.

روايات نيز شخصيت و عظمت روح انسان را يادآور می‌شوند. امام علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید:

إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبْيَغُوهَا إِلَّا بِهَا. (شریفترضی، بی‌تا: ح ۴۵۶)  
بدانید که وجود شما جز بهشت بهایی ندارد. آن را به کمتر از بهشت نفوشید.

هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ. (همان: حکمت ۱۴۹)  
آن کس که قدر خود را نشناخت، هلاک شد.

## ۵ - ۲. تحقیر شخصیت انسان

در بررسی ریشه‌های خانوادگی گناه گفتیم که تحقیر و سرکوبی شخصیت انسان یکی از ریشه‌های گناه است در اینجا به مناسبت به توضیحی کوتاه قناعت می‌کنیم.  
اگر انسان شخصیت خود را بشناسد، هرگز شخصیت عظیم خود را در راههای انحرافی و پست نابود نمی‌کند، چنان که یک سکه طلا را با یک کلوخ عوض نمی‌کند. امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> فرمود:

من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنيا. (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۱۸)  
کسی که نفس خود را گرامی دارد، امور مادی دنیا در نظرش بی‌ارزش گردد.

از این عبارت استفاده می‌شود که سرکوبی شخصیت زمینه دنیاپرستی و گرایش به امور پست و انحرافی، است ولی حفظ شخصیت و توجه به آن، انسان را اسیر پستی‌ها نمی‌نماید. احساس کمبود و عقده حقارت که بر اثر تحقیر و ناآگاهی به شخصیت ایجاد می‌شود، به طور طبیعی انسان را به سوی گناهان و هرگونه کار پست سوق می‌دهد. حضرت علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید:

نفاق المرء من ذل يتجه في نفسه. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۷۷۷ / ۲)  
نفاق انسان به خاطر ذلت و کمبودی است که در خود می‌یابد.

رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> فرمود:

لَا يكذبُ الْكاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۲ / ۲۴۹)  
دروغگو، دروغ نمی‌گوید؛ مگر به خاطر پستی‌ای که در خودش هست (و احساس می‌کند).

### ۵ - ۳. سرکوب غراییز و نیازها

ریشه‌های گناه و راهکارهای مقابله با آن ... □ ۱۲۷

از عواملی که موجب پیدایش عقده و کمبود در انسان می‌شود، بی‌توجهی به غراییز، خواسته‌ها و نیازها است. بی‌تردید در وجود انسان غراییزی هست که باید به طور طبیعی و در حد عادلانه اشیاع گرددند و افراط و تفریط موجب طغیان غراییز یا سرخوردگی می‌شود که در هر دو صورت زیان‌بخش و زمینه‌ساز گناه خواهد بود. برای مثال از دیدگاه اسلام قاضی شرع باید راحت زندگی کند و زندگی اش به طور کافی از بیت‌المال تأمین شود تا مبادا احساس نیاز کند و به دنبال آن به رشوه‌خواری و مال‌های حرام آلوده شود.

فُلْ مَنْ حَكَمَ زِيَّةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظَّبَابَاتِ مِنَ الرِّزْقِ. (اعراف / ۳۲)  
بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را، حرام کرده است؟

یکی از اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، وسعت بخشیدن به زندگی همسر و فرزندان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

سزاوار است که انسان شبانه روز خود را به چهاربخش تقسیم کند: در یک بخش آن با خدا مناجات کند و در یک بخش اعمال خود را حساب و رسیدگی کند و در یک بخش درباره مخلوقات خدا بیندیشد و بخشی از زندگی را در امور خوراک و نوشیدنی (تهیه و مصرف) بگذراند. (شهر، ۱۳۶۸: ۲۸۴)

امیرمؤمنان علیهم السلام فرمود:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ ثَمَلُ كَمَا ثَمَلَ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۱ / ۲۳۴)

به راستی که این دل‌ها خسته می‌شوند، چنان‌که بدن‌ها خسته می‌شوند. پس تازه‌های حکمت را برای آن دل‌ها بجویید [یعنی با لطیفه‌های زیبا آن دل‌ها را شاد سازید].

نتیجه اینکه جسم و روح انسان نیازهایی دارد که باید به طور مشروع اشیاع شود و بسیاری از سخت‌گیری‌ها در لباس، غذا و زندگی درست نیست. اعتدال در همه چیز خوب

است، و افراط و تفریط راه جاهلان می‌باشد و نتیجه به راه تفریط رفتن و تعطیل غرایز، سرخوردگی غرایز و ایجاد عقده و انحرافات روانی است.

#### ۵ - ۴. امید و آرزوی کاذب و بیهوده

یکی دیگر از ریشه‌های روانی گناه آرزوهای بیهوده و بی‌اساس است؛ اینکه انسان بدون حرکت و کار در انتظار خوبیختی، پاداش و ترقی باشد که معمولاً افراد خیالاتی به این حالت دچار می‌شوند. آنان مرتكب هر گناهی می‌شوند و می‌گویند خدا «ارحم الراحمین» است. این گونه امید نه تنها عامل تکامل نیست؛ بلکه انسان را از درون تهی می‌کند و زمینه سستی و بی‌عاری را که بذرهای گناهاند، در انسان پدید می‌آورند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يُرْجَونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ. (بقره / ۲۱۸)

تنها کسانی که ایمان آورده و مهاجرت نموده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.  
در این آیه امید در کنار ایمان، هجرت و جهاد آمده است.

#### ۶. ریشه‌های سیاسی گناه

یکی از ریشه‌هایی که گاهی موجب گناهان بزرگ می‌شود، امور سیاسی است که بیشتر به کارگزاران و مسئولان مربوط می‌شود. این موضوع در آیات و روایات زیادی مورد توجه قرار گرفته است.

وَإِذَا تَوَلَّ لَسْعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيَهْلِكَ الْحَرْثَ وَالثَّنَالَ وَاللَّهُ لَا يِحِبُّ الْفَسَادَ \*  
وَإِذَا قَبَلَ لَهُ أَئْتَى اللَّهَ أَخْدَنَتُهُ الْعَوَةُ بِالْأَئْمَنِ فَحَسِبَهُ جَهَنَّمُ وَلَيَسَ الْمَهَادُ. (بقره / ۲۰۵ و ۲۰۶)

(منافقان) هنگامی که حاکم و رئیس می‌شوند، در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعتها و نسل‌ها را نابود می‌سازند. خداوند فساد را دوست ندارد. هنگامی که به آنها گفته شود از خدا بترسید، لجاجت و غرور آنها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنها کافی است و چه بد جایگاهی است.

این آیه بیانگر آن است که انسان غیرمُؤمن که اسیر هوس‌های نفسانی است، اگر در رأس امور قرار گیرد و مسائل سیاسی به دستش بیفتند، جامعه را به فساد و تباہی می‌کشاند و موجب نابودی کشاورزی و هلاکت نسل می‌گردد.

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُواْ أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ. (نمل / ۳۴)  
پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد می‌کشند و عزیزان آنها را ذلیل می‌کنند، آری کار آنها همین است.

این سخن گرچه از زبان «بلقیس» ملکه سیا نقل شده، ولی یک موضوع حساب شده است و تجربه آن را ثابت کرده و مورد قبول همه است، که حکومت حاکمان مستبد و زورگو زمینه و عامل ویرانگری خواهد بود.

حضرت یوسف ﷺ در زندگی، مقابل صحنه‌های مختلفی قرار گرفت، مانند جفای برادران و گرفتاری در چاه، ورود به کاخ عزیز مصر، حضور در زندان، عهدهداری وزارت دارایی، تا اینکه در آخر عمر حاکم مصر شد. او در هر صحنه‌ای دعایی داشت، ولی وقتی در مقام ریاست قرار گرفت، اسیر ریاست نشد. همواره می‌دانست که باید به ملک ابدی پیوست و ریاست دنیا فانی است. دعای او این بود: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا؛ (یوسف / ۱۰۱) خدایا مرا مسلمان بمیران.»

آری! یوسف ﷺ وقتی رئیس شد، گفت: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا؛ مرا درحالی که تسليم محض فرمان تو هستم بمیران»؛ یعنی ریاست به قدری خطرناک است که حتی می‌تواند پای یوسف را بلغزاند، لذا این دعا را می‌کند که در راه فرمان خدا ثابت قدم بماند.

یوسف شک نداشت که در راستای فرمان خدا می‌میرد، ولی فتنه‌های ریاست و زرق و برق‌ها و چراغ سبز نشان دادن‌های آن نیز خطرناک است، لذا از درگاه خدا یاری می‌جوید که در برابر خطرها استوار و پابرجا بماند.

ریاست بر دو گونه است: ریاست ممدوح و ریاست مذموم.

ریاست ممدوح وسیله احراق حق و ابطال باطل است و ریاست مذموم آن است که خود هدف واقع گردد و پلی برای هوا و هوس و انحرافات باشد.

آنچه در روایات از آن مذمت شده «حب ریاست» است؛ یعنی دلبستگی به ریاست و خواستن مقام به خاطر مقام. رسول اکرم ﷺ فرمود:

لکل شیبی آفة تفسد و آفة هذا الدين ولاة السوء. (پاینده، ۱۳۸۵: ح ۴۷۸)  
برای هرچیز آفتی هست که آن را تباہ می‌سازد و آفت این دین، رهبران  
ناشایسته است.

حضرت علیؑ به یکی از کارگزارانش (اشعث بن قیس) که فرماندار آذربایجان بود، نوشت:

وَإِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُغْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنْقِكَ أَمَانٌ. (شیرف‌رضی، بی‌تا: ن ۵)  
فرمانداری برای تو لقمه و وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی بر گردند است.

در حضور امام معصوم درباره شخص ریاست طلبی سخن به میان آمد، حضرت فرمود:

ما ذیان ضاریان فی غنم قد تفرق رعاوئها بأضرفی دین المسلم من طلب الریاسة.  
(قمی، ۱۳۷۴ / ۱: ۴۹۲)

زیان دو گرگ به گله گوسفندی که چوپانانش متفرق شده‌اند، بیشتر از زیان  
ریاست‌طلبی در دین مسلمان نیست.

### ب) راهکارهای مقابله با گناه

همان‌گونه که ترمذ در اتومبیل لازم است تا آن را از سقوط در پرتگاه‌ها نگهدارد، غرایز و خواسته‌های انسان نیز نیاز به کنترل دارد. خطوط کلی کنترل انسان در برابر گناه را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

#### ۱. تفکر

تفکر در عاقبت گناه، عامل توبه است. تفکر در فنای دنیا، عامل زهد است. تفکر در نعمت‌ها، عامل حب خداست. تفکر در حوادث عبرت آموز، عامل تواضع است. تفکر در مرگ عامل کنترل هوس‌های نفسانی است. تفکر در احوال بزرگان، عامل مقایسه و رشد است. تفکر در عواقب کار، عامل مصونیت از گناه است. تفکر در عذاب الهی، عامل خوف از خداست. تفکر

در ضعفها، عامل توکل است. تفکر در تاریخ، عامل عبرت است. تفکر در آفریده‌ها، عامل ایمان به خدا است. تفکر در مفاسد اخلاقی، عامل تهذیب است. تفکر در سختی‌های دیگران، عامل استقامت است. تفکر در نیکی و مهربانی‌های والدین، عامل احسان به آنها است.

از خصوصیات فکر و اندیشه این است که:

فکر عبادتی بی‌ریا است، زیرا پیدا نیست تا ریا بردار باشد.

فکر عبادتی بی‌وسیله است، هرچیز مانند نماز و حج، نیاز به وسیله مانند مهر، لباس، وسایل نقلیه و ... دارد، ولی فکر به وسیله نیاز ندارد.

به طور کلی تفکر صحیح، مستقیم یا غیرمستقیم، عامل بازدارنده از انحرافات و گناهان می‌شود، و همچون آینه صاف، نشان‌دهنده زیبایی‌ها و زشتی‌ها است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام فرماید: «الْفِكْرُ مِرْأَةٌ صَافِيَّةٌ»؛ (شریف‌رضی، بی‌تا: ح ۵) فکر آینه صاف است.»

## ۲. توجه به حضور خدا در همه جا

ایمان به خدا و یاد او در همه حال، و اعتقاد به اینکه همه در محضر خداییم، از اساسی‌ترین اهرم‌های بازدارنده از گناه است. نقشی که این عقیده در کنترل انسان و جلوگیری از طغیان غراییز حیوانی دارد، هیچ چیزی ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او در ریشه کن کردن گناه از همه قدرت‌ها نیرومندتر است. سازمان‌های پلیسی و انتظامی با نبود ایمان و تکیه‌گاه معنوی، هرگز نمی‌توانند در اصلاح فرد و جامعه توفیق یابند.

ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا، چنان نیرویی در انسان در برابر گناه به وجود می‌آورد که او را در برابر گناهان همچون سپری فولادین، نفوذناپذیر می‌کند.

نیروهای انتظامی و امنیتی، هرچند قوی و گسترده باشند، قادر به جلوگیری از گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند در کنترل گناهان در خلوت، نقشی داشته باشند، ولی ایمان درونی می‌تواند نقش خلناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند، بر همین اساس در آیات و روایات بر نقش ایمان در بازداری از گناه بسیار تکیه شده است.

خداآوند می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى. (علق / ۱۴)

آیا انسان نمی‌داند که خداوند [همه کارهایش را] می‌بیند؟

إِنَّ رَبَّكَ لِيَأْمُرُ صَادِ. (فجر / ۱۴)

قطععاً پروردگار تو در کمینگاه است.

يَعْلَمُ حَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُحْفِي الصُّدُورُ. (مؤمن / ۱۹)

خداآوند چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند، می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است، آگاه می‌باشد.

در قرآن واژه بصیر (خدا بیناست) ۵۱ بار، و واژه سمیع (خدا شنواست) ۴۹ بار آمده است. این آیات به روشنی بیان می‌کنند که همه در محضر خدای بزرگ هستیم. در هرجا - خلوت و جلوت - هر کاری بکنیم، حتی اگر در فکر خود، مطلبی را تصور کنیم، خداوند به آن آگاه و در کمین انسان گنهکار است.

امیرمؤمنان علی ﷺ می‌فرماید:

اتَّقُوا مَعَاصِي اللَّهِ فِي الْخَلُوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (شریف‌رضی، بی‌تا: ح ۳۲۴)

از معصیت خدا در پنهانی و خلوت‌گاه‌ها بپرهیزید، چراکه شاهد همان دادرس است.

بی‌شک غفلت و سرمستی یکی از عوامل زمینه‌ساز گناه است و یاد خدا از عوامل بازدارنده می‌باشد.

امام باقر علی ع فرمود:

یاد خدا آن است که انسان هنگام نزدیک شدن به گناه، به یاد خدا بیفتند و همین امر او را از گناه باز دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۳ / ۳۷۹؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۳ / ۴۲۵)

آنگاه فرمود: همین است سخن خداوند که می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ. (اعراف / ۲۰۱)  
پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا می‌افتد و  
بینا می‌گردند.

تذکر این نکته لازم است که در قرآن از اموری مانند: شیطان، اموال، اولاد، تجارت و تمتع بیش از حد از متاع دنیا، به عنوان عوامل غفلت و مانع ذکر، سخن به میان آمده است، بنابراین ذکر خدا، وقتی ثمربخش و بازدارنده از گناه است که حجاب‌های غفلت پیش روی آن قرار نگیرد.

### ۳. خودشناسی و توجه به شخصیت انسانی

یکی از عوامل بازدارنده گناه این است که انسان شخصیت خود را بشناسد و به آن توجه داشته باشد، چراکه وقوع بخشی از گناهان به این خاطر است که انسان به ارزش خود پی‌نبrede است.

شخصیت انسان از دیدگاه قرآن  
انسان از نگاه قرآن، خلیفه خدا و مسجدود فرشتگان است و خداوند همه چیز را برای او آفریده و به تسخیرش درآورده است؛

وَسَحْرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ. (جاثیه / ۱۳)  
و خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از سوی خود مسخر شما ساخته.

این تعبیرها گویای شخصیت ارزشمند و والا بشر، و موهب مادی و معنوی الهی به اوست که گل سرسبد موجودات است.  
خداوند در سوره توبه خطاب به مؤمنین می‌فرماید:

أَرْضِيَّثُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا. (توبه / ۳۸)  
آیا به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟

منظور آیه این است که تو انسان هستی و شخصیت تو بسیار بالاتر از دنیا است، پس خود را به دنیا نفروش. براستی اگر ما خود را بشناسیم و به شخصیت خود توجه کنیم، همین توجه ما را از گناه بازمی‌دارد، ولی وقتی خود را پست و خوار و پوچ تصور کنیم، به پستی تن می‌دهیم، از این‌رو در سوره زخرف می‌خوانیم:

فَاسْتَحْفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ. (زخرف / ۵۴)

فرعون قومش را تحقیر و تحمیق کرد، پس آنان از او اطاعت کردند.

توضیح اینکه برنامه‌های استعماری و استثماری فرعون، مردم را بی‌شخصیت و تهی از خود کرد، وقتی آنها خود را پست و کوچک تصور کردند، به دنبال فرعون راه افتادند، ولی اگر شخصیت خود را می‌شناختند و به آن توجه داشتند، هرگز زندگی خود را فدای زندگی آلوده فرعون نمی‌نمودند، ولی به عکس همین احساس حقارت آنها را به بندگی غیرخدا واداشت.

خودشناسی در روایات هم مورد توجه است. امیر مؤمنان علیؑ فرمود:

إِنَّهُ لَيَسْ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا لِجَنَاحَةَ فَلَاتَبْيَعُوهَا إِلَّا بِهَا. (شریفترضی، بی‌تا: ح ۴۵۶)  
بدانید که جان شما بهایی جز بهشت ندارد، پس آن را به کمتر از بهشت نفروشید.

ما تکبر الا وضيع. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ذیل (کبر))  
تکبر نمی‌ورزد؛ مگر انسان بی‌شخصیت.

عجبت لمن ینشد ضالته، وقد اضل نفسه فلا يطلبها. (همان: ۴ / ۳۴۰)  
در شگفتمن از کسی که در جستجوی گمشده‌اش برمی‌آید، حال آنکه (شخصیت) خود را گم کرده است و در جستجوی آن برنمی‌آید!

العارف مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَاعْتَقَهَا وَنَزَّهَهَا عَنْ كُلِّ مَا يَبْعَدُهَا وَيَوْقَهَا. (همان / ۳۴۱)  
عارف کسی است که روح خود را بشناسد و آن را آزاد کند و از هرچیزی که موجب دوری (از کمال) و باعث هلاکت می‌گردد، پاک سازد.

از مجموع آیات و روایات نتیجه می‌گیریم که انسان دارای کرامت ذاتی و اکتسابی است. او باید کرامت خود را بازیابد تا در سایه توجه به شخصیت خود، از بخشی از گناهان در امان بماند.

#### ۴. ایمان به معاد

قرآن کتاب انسان‌سازی و تربیت است و قسمت مهمی از مسائل تربیتی را از طریق ایمان به معاد و توجه به حساب و قیامت، تعقیب می‌کند.

قرآن حدود ۱۴۰۰ بار از مسئله معاد و خصوصیات آن سخن به میان آورده است و بیش از یک ششم قرآن، انسان‌ها را به معاد و یاد روز رستاخیز فرا می‌خواند.

ایمان به معاد، یعنی ایمان به یک زندگی ابدی که همه چیز آن از روی حساب است. ایمان به معاد، یعنی ایمان به دریافت کیفر و پاداش اعمالی که ما در دنیا انجام داده‌ایم؛ یعنی هیچ‌کدام از نیکی‌ها و بدی‌های ما نابود نمی‌شود، بلکه انسان در گرو اعمال خود است. چنین عقیده‌ای نقش عمیقی در پرورش روح انسان دارد، ازین‌رو آیات توجه ویژه‌ای به آن دارند.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّخْضِرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ. (آل عمران / ۳۰)  
روز قیامت روزی است که هر کس آنچه را از کار نیک یا بد انجام داده است، حاضر می‌بیند.

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَانُوكُمْ جَرَادٌ مُّنْتَشِرٌ (قمر / ۷)  
انسان‌ها از قبرها بیرون می‌آیند، درحالی که چشم‌هایشان (از وحشت) خاشع و به زیر افتاده است و همچون ملخ‌های پراکنده (بی هدف) به هر سو می‌دوند.

يَوْمَ يَفِرُّ الْمُرْءُ مِنْ أَخْيَهُ \* وَأُمَّهُ وَأَبِيهِ \* وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ \* لِكُلِّ امْرَئٍ مِّنْهُمْ يُوْمَئِذٍ شَأنُ  
یعنیه. (عبس / ۳۷ - ۳۴)

در آن روز انسان از برادر خود فرار می‌کند و از پدر و مادرش، و از زن و فرزندانش می‌گریزد و هر کس در وضعی قرار دارد که او را به خود مشغول کرده است.

اینها تنها چند نمونه از صدھا آیه درباره روز قیامت است. روزی که ندامتگاه گنهکاران است و راه برگشت و فرار در آن نیست و همه اعمال مردم در کارنامه‌هایشان ثبت است. مهم این است که ما معاد را فراموش نکنیم و همواره به یاد آن باشیم، گرچه ایمان و یقین قطعی به آن نداشته باشیم، بلکه ظن و گمان به آن هم برای تربیت کافی است.

أَلَا يُطِّلُّ أُولَئِكَ أَنْهُمْ مَنْغُوشُونَ \* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ \* يَوْمَ يُقْسُمُ النَّاسُ لِرِبِّ الْعَالَمِينَ.  
(مطففين / ۴ - ۶)

آیا این کم‌فروشان گمان نمی‌کنند که در روز بزرگی برانگیخته خواهند شد، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای پاسخ به کارهایشان) خواهند ایستاد.

##### ۵. عرض اعمال

یکی از معتقدات اسلامی مؤثر در بازدارندگی از گناه، مسئله «عرض اعمال به پیشوایان دینی» است، یعنی خداوند اعمال انسان‌ها را از راه‌های خاصی هر روز یا هر هفته یکبار به عرض پیامبر ﷺ و امامان ﷺ می‌رساند. اگر نیک بود، موجب خوشحالی آنها و اگر بد بود، موجب ناراحتی آنها می‌شود.

انسان وقتی بداند، چنین جریانی در کار است، بیشتر رعایت و مراقبت می‌نماید تا قلب آن عزیزان را با ترک گناه خشنود سازد. چنان‌که در قرآن آمده است:

وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرِي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَرِّدُونَ إِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
فَيَعْلَمُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (توبه / ۱۰۵)

بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شمارا می‌بینند و بهزادی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.

روایات متعددی از امامان ﷺ در مورد عرض اعمال به ما رسیده و در کتاب اصول کافی بابی با عنوان «عرض الاعمال على النبي و الآئمه» تنظیم شده است که شش حدیث دارد.  
(کلینی، ۱۳۶۵ / ۱: ۲۱۹)

طبق روایات اعمال نیک و بد انسان هر روز صبح یا عصر هر پنجشنبه بر پیامبر ﷺ عرضه می‌شود. براساس برخی دیگر اعمال بر امامان ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ عرضه می‌شود.

##### ۶. یاد مرگ

یاد مرگ، غرور را می‌شکند و عامل بازدارنده و کنترل‌کننده است. رسول اکرم ﷺ

اکثروا ذکرالموت فانه يمحض الذنوب . (پاینده، ۱۳۸۵: ح ۴۴۴)

بسیار به یاد مرگ باشید، زیرا یاد مرگ گناهان را می‌زداید.

#### ۷. خداترسی و ترس از عواقب گناه

یکی از عوامل کنترل کننده گناه، خوف از خدا و عواقب گناه است. امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که بداند خدا او را می‌بیند و گفتار او را می‌شنود و به کار نیک و بد او آگاه است، همین دانستن او را از کارهای زشت باز می‌دارد و چنین فردی کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هوس گناه باز داشته است.

چنان از خدا بترس که گویا خدا را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند ... . (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۶۷ و ۶۸)

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

مؤمن گناهش را چون سنگ بزرگی می‌نگرد و می‌ترسد که آن سنگ بر سر او فرود آید، ولی کافر گناه خود را چون پشه‌ای می‌نگرد که از کنار بینی اش عبور کند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۸۲)

#### ۸. نقش عبادات در بازدارندگی از گناه

عبادات، اگر به طور صحیح و با شرایط انجام گیرند، علاوه بر فواید بسیار معنوی، در کنترل گناه هم مؤثرند.

در قرآن هدف از روزه گرفتن تقوی و پاکسازی ذکر شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .  
(بقره / ۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما روزه واجب شد؛ چنان‌که بر آنان که پیش از شما بودند، مقرر شد، باشد که پرهیز کار شوید.

نماز را هم وسیله دوری از زشتی‌ها و گناهان معرفی می‌کند:

**إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.** (عنکبوت / ۴۵)

نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد.

این مطلب در روایات نیز با کمال صراحةً بیان شده است، مانند:

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود:

مثُل الصَّلوة كمثل النَّهْر الجاري كَلَمًا صَلَيْ كفرت ما يَنْهَى مَا. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳)

(۷ /

نماز مانند آب جاری است، هر زمان انسان نمازی می‌خواند، گناهانی را که میان دو نماز انجام شده است، از میان می‌برد.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أَحَبَ أَنْ يَعْلَمْ أَقْبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ، فَلَيَنْظُرْهُ لِمَنْعَتْ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرْ مَا مَنْعَثُهُ، قُبِّلَتْ مِنْهُ. ( مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۹ / ۱۹۸ )

کسی که دوست دارد بداند آیا نمازش مقبول درگاه الهی واقع شده یا نه؟ باید ببیند آیا این نماز او از زشتی‌ها و منکرات باز داشته یا نه، به همان مقدار که بازداشته، نمازش پذیرفته شده است.

امیرمؤمنان علیه السلام ضمن شمارش فلسفه‌های عبادات اسلامی، می‌فرماید:

وَالصَّلَاةَ تَنْهِيَا عَنِ الْكِثِيرِ... وَالْتَّهِي عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَا لِلشَّفَهَاءِ. ( شریفترضی، بی‌تا:

ح (۲۵۲)

خداؤند نماز را برای پاک شدن از تکبر واجب نمود ... و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان (از گناه) فرض کرد.

اصولاً مسلمانی که می‌خواهد نماز، روزه یا حج به جا آورده، مراقب است تا آنچه را که موجب بطلان عبادات است، انجام ندهد. همین مواظبت یک نوع تمرین برای تقویت اراده و

پرورش استقامت در برابر گناهان است؛ چراکه مقدار پرهیز از گناه، به مقدار اراده و استقامت انسان‌ها بستگی دارد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس آیات و روایات، گناهان ریشه‌های مختلفی دارند:

جهل و نادانی، قوانین و سنت‌های غلط بشری، التقاط و تحریف، گفتار و کتب ضاله، تلقین و تقلید، شخصیت‌گرایی و کتمان حق، ریشه‌های فرهنگی و تربیتی گناه می‌باشند.

از نظر خانوادگی، وراثت، ازدواج، نوع تربیت فرزند و تغذیه می‌توانند تأثیر شایانی در روح و روان انسان از جمله پاکی و پلیدی او بگذارد.

ریشه‌های اقتصادی گناه را باید در سرمایه و ثروت یا فقر و تهییدستی جستجو نمود.

محیط فاسد، رهبران گمراه، همنشین و دوست بد و محرومیت‌های اجتماعی می‌توانند زمینه‌های اجتماعی گناه را فراهم آورند.

تحقیر شخصیت انسان، سرکوب غرایز و نیازهای انسان نیز به عنوان ریشه‌های روانی گناه مطرح می‌باشند.

برخی امور که به کارگزاران و مسؤولان جامعه مربوط می‌شوند، ریشه‌های سیاسی گناه را شکل می‌دهد.

پس از شناخت گناه و ریشه‌های آن باید به کنترل آن پرداخت. خطوط کلی کنترل گناه را می‌توان در این امور خلاصه کرد: ۱. تفکر. ۲. توجه به حضور خدا در همه جا. ۳. خودشناسی و توجه به شخصیت خود. ۴. ایمان به معاد و روز حساب. ۵. توجه به عرض اعمال به پیشوایان. ۶. نزدیک دیدن مرگ. ۷. ترس از عواقب گناه. ۸. توجه به نقش عبادت و ترک معصیت.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. شریف‌رضی (گردآورنده)، بی‌تا، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجره.

۳. ابن ابی فراس، ورّام، بی‌تا، *تنبیه الخواطر و نزهه النواظر* (مجموعه ورّام)، قم، مکتبة الفقیه.
۴. ابن جمعه العروسي الحویزی، عبدالعلی، ۱۴۱۵ ق، *نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
۵. الامین، سیدمحسن، ۱۳۴۳ ق، *المجالس السنیة*، صیدا، بی‌نا.
۶. بداونی، عبدالقدار بن ملوک شاه، ۱۳۸۱، *منتخب التواریخ*، تصحیح احمدعلی صاحب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، *نهج الفصاحة*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. تمییز آمدی، عبد الواحد، ۱۳۶۶، *غیر الحكم و درر الكلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. جعفر بن محمد (امام صادق علیهم السلام) (منسوب به)، ۱۴۰۰ ق، *مصطفیٰ الشریعہ*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعہ*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۱. حرانی، حسن بن شعبه، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
۱۲. شُبَّر، عبدالله، ۱۳۶۸، *اخلاق شُبَّر*، قم، روح.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۴، *سفينة البخار*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الكتب الاسلامية.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۵، *میزان الحکمة*، تهران، دار الحديث.
۱۸. مشکینی اردبیلی، علی، بی‌تا، *قصاص‌الجمل*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۹. نوری (محمد نوری)، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لایحاء التراث.